

{و الارض وضعها للانام}

((زمین را برای آدمیان نهاده است.))

نیز فرمود:

{الذی جعل لکم الارض فراشا}

((خدایی که زمین را چونان بستری برای شما گسترانید.))

در واژه ((جعل)) دو احتمال وجود دارد؛ یکی آنکه به معنای ((خلق)) و (آفریده) باشد. دوم آنکه به معنای ((صیر)) (تبدیل کرد) باشد. در این فرض از آیه به دست می‌آید که زمین در آغاز زمینه ای مناسب برای زندگی انسان نداشت و خداوند در آن تغییرهایی پدید آورد که شایسته زندگی باشد.

نیز واژه ((لکم)) در این آیه و در آیات دیگری که پیش از این آیه آوردیم و واژه ((انام))؛ یعنی مردم در آیه قبلی، به معنای همه مردم است و همه نسل‌ها را در بر می‌گیرد.

بنابراین، خداوند خود مالک زمین است و آن را متناسب با زندگی بشر و نیازهای او آفریده و زمین و برکات آن در اختیار همه انسانها قرار داده است، از این رو همه مردم و نسل‌ها باید بتوانند از زمین استفاده کنند.

نتیجه آن که هرگونه تصرف تخریب‌آمیز، در واقع تجاوز به حریم دیگر انسان‌ها و دیگر نسل‌ها به شمار می‌آید؛ چنانکه از آیه ی ((من الثمرات رزقاً لکم)) به روشنی استفاده می‌شود که زمین دربردارنده روزی همه مردم است و همه نسلها حق بهره‌گیری از مواهب طبیعی و نعمتهای آن را دارند.

از این روی نباید نسلی و گروهی خاص برای دستیابی به قدرت و ثروت و ارضای آزمندی و حرص سیری‌ناپذیر خود، به گونه‌ای دلخواه به تصرفات ویرانگر و زیانبار در زمین دست زنند.

چنین تصرفاتی همان است که قرآن نام آن را فساد در زمین می‌گذارد. فساد در زمین معنایی فراگیر و گسترده دارد و انواع فسادها را در بر می‌گیرد. قرآن در مقام هشدار به مردم و نکوهش به مفسدان، آیات فراوانی دارد و می‌کوشد تا انسان‌ها را از هرگونه فساد آفرینی باز دارد:

((از نعمت های زمین بهره برید، بخورید، بیاشامید لیکن مبادا در زمین فساد پدید آورید.))

((در زمین فساد نکنید پس از آن که اصلاح شده است.))

در آیه ای دیگر نکوهش شدید مفسدان به گونه ای آمده است که تا حدودی می توان به مقصود قرآن از ((فساد آفرینی)) در زمین دست یافت:

((چون به قدرت و ریاست دست یابد یا چون پشت کند و از نزد تو بازگردد می کوشد تا در زمین فساد کند و کشت و نسل (دام یا نژاد) را نابود کند و خداوند فساد را دوست نمی دارد.))

مفسران قدیم و معاصر گفته اند مقصود از واژه ((حرث)) در این آیه انواع مزرعه ها و گیاهان است، به همان سان واژه ((نسل)) نیز معنایی گسترده دارد و همه ی نژاد های حیوانی و انسانی را در بر می گیرد.

یکی از مفسران معاصر درباره تفسیر این آیه می نویسد:

((رکن بنیادین بقای بشر در روی زمین تغذیه اوست و انسان بدون غذای سالم و مناسب نمی تواند در این زمین به زندگی خود ادامه دهد و مفسدان با نابودی گیاهان هم غذای دام ها را از بین می برند و در نتیجه آن ها را در معرض نابودی قرار می دهند و هم غذای انسان را.))

این سخن، وزین و متین به نظر می آید. لیکن به نظر می رسد آیه به معنایی فراتر از این اشاره دارد و آن اینکه مفسدان با افساد در زمین، هم نژاد انسان و حیوانات را در معرض نابودی قرار می دهند و هم گیاهان و محصولات کشاورزی را، مقصود آن است که فساد در زمین به مشکل آفرینی در تغذیه بشر محدود نمی شود، بلکه نابود کردن گیاهان و دیگر ویرانگریها در زمین خطر های مهمتری نیز به بار می آورد که نمونه ی آن الوده کردن آب و هوا و تخریب لایه ازن است.

در برابر فساد، افساد و مفسدان، صلاح و اصلاح و مصلحان قرار دارند و درست همانطور که مفسدان زمین را به تباهی می کشند، مصلحان با حفاظت از جلوه های شکوهمند طبیعت و بالنده ساختن محیط زندگی و پالایش هرچه بیشتر آن از آلاینده ها هر روز بر دل انگیزی و زیبایی های محیط زیست بشری می افزایند و بدین ترتیب زمینه شادابی، نشاط انسان ها و سرسبزی و خرمی زمین را فراهم می آورند.

صالحان که زمین میراث آنان است به جای آنکه در پی ارضای خواهش های نفسانی و حرص و طمع خود بوده و جلوه های طبیعت را در آستان امیال خود قربانی کنند، این فرمان قرآن را با گوش جان می شنوند که انسان باید زمین را آباد کرده و در عمران آن بکوشد و نیز در پرتو آیات

و روایات فراوانی که درباره ارجمندی گیاهان آمده است . با درختکاری و پرورش گل و گیاه، زمین را به نشاط آورده و آن را سبز و خرم سازد.

چگونگی آفرینش لایه رویین زمین به اندازه ای از نگاه قرآن اهمیت دارد که در خور تأمل و دستمایه هدایت آدمیان به دقت بودن تدبیر هستی از سوی پروردگار است.

خداوند در قرآن می فرماید:

{أفلا ينظرون... إلى الارض كيف سطحت}

((آیا نمی نگرند... به زمین که چه سان هموار و مسطح شده است.))

همانگونه که برخی مفسران نوشته اند احتمال می رود مقصود از آیه آن باشد که چه سان باران های پیاپی پیوسته سطح کوهها را می شوید و ذرات خاک را با سودمندی ها و آثار مختلف پدید آورده و به سمت گودال ها و دره ها رهنمون می گردد و از این رهگذر زمین های صاف و هموار به وجود می آید؛ زمین هایی که آماده کاشت محصولات مختلف و سودمند است.

خداوند می فرماید:

{و الارض بعد ذلك دحها اخرج منها ماءها و مرعاها}

((و زمین را پس از آن بگسترانید و آب و چراگاهش را از آن بیرون آورد.))

واژه ی ((دحو)) به معنای گسترانیدن است و مقصود از ((دحو الارض)) آن است که در آغاز، تمام سطح زمین را آب فرا گرفته بود و این آب به تدریج در گودال های زمین جا گرفت و خشکی ها از زیر آب سر بر آوردند و روز به روز گسترده تر شدند تا آن که زمین به وضع فعلی درآمد.

معجزه خاک

خداوند در قرآن می فرماید:

{و فی الارض قطع متجاورات...}

((در زمین قطعه های نزدیک به هم وجود دارد...))

مفسران قرآن درباره تفسیر واژه ی ((قطع متجاورات)) دو احتمال داده اند:

احتمال اول: تنوع خاک ها

از ظاهر این آیه چنین به دست می آید که این قطعه های خاکی اگرچه در همسایگی هم قرار داشته و به هم چسبیده اند لیکن یکنواخت نیستند و آثار یکسانی ندارند.

این قطعه ها برخی شور و برخی شیرین، برخی نرم و برخی سفت و سخت و... هستند و از همه آنها آثار و برکات گوناگون و متنوعی بر می آید. از خاک شور گروهی از گیاهان سر بر می آورند و زمینه حیات گروهی از حیوانات و پرندگان پدید می آید و از خاک شیرین نیز گروهی دیگر... و همه خاک ها -هر کدام گونه ای- می توانند نیازهای آدمی را فراهم کنند و سودمندی های فراوانی برای او داشته باشند؛ چه اینکه خاک، محل رویش و بالندگی گیاهان و تکوین معادن و برآورنده انواع دیگر نیازهای انسان از قبیل برخی مصالح ساختمانی و... است.

در این باره در تفسیر نمونه چنین آمده است:

((با این که این قطعات همه به هم متصل و مربوطند هر کدام ساختمان و استعداد مربوط به خود را دارد؛ بعضی محکم و بعضی نرم؛ بعضی شیرین و برخی شور؛ و هر کدام استعداد برای پرورش نوعی خاص از گیاهان و درختان میوه و زراعت را دارند؛ چرا که نیازهای انسان و جانداران زمین بسیار زیاد و متفاوت است گویی هر قطعه از زمین مأموریت برآوردن یکی از این نیازها را دارد. اگر همه یکنواخت بود و یا استعدادها به صورت صحیحی در میان قطعات زمین تقسیم نشده بود انسان گرفتار چه کمبودهایی از نظر مواد غذایی و دارویی و سایر نیازمندیها می شد. اما با تقسیم حساب شده این مأموریت و بخشیدن استعداد پرورش آن و قطعات مختلف زمین . همه این نیازها به طور کامل برطرف می گردد...)).

از این روست که خاک نعمت بزرگ الهی به شمار می آید و باید ادمیان قدر آن را باز بشناسند و در حفظ و پیرایش آن از آلودگی ها بکوشند و سمت و سوی برنامه های صنعتی خود را به گونه ای سامان دهند که خاک تخریب نشود؛ که این که زیانی جبران ناپذیر در پی خواهد داشت.

احتمال دوم: آثار شگفت انگیز خاک

در تفسیر این آیه احتمال دیگری نیز وجود دارد و آن اینکه مقصود از ((قطعه های متجاور)) آن است که خداوند متعال در خاک ویژگیهای قرار داده و آن را به گونه ای آفریده که آثار و برکات های شگفت آور و درخور تأملی دارد.

بدین سان که قطعه های مشابه و به هم چسبیده زمین دارای طبیعت یکسانی است، با این حال از یک آب و خاک انواع گیاهان با رنگها، شکلها و اندازه های گوناگون می روید و از آن انواع میوه ها با مزه ها، قالب ها و اندازه های متفاوت و با آثار و خاصیت های گوناگون بر می آید و این نشانگر ارزش خاک و به عبارت دیگر اعجاز خاک و قدرت، تدبیر و علم بیکران آفریننده آن است.

علامه طباطبایی در این مورد نوشته است:

((معنای این آیه آن است که در پشت پرده نظام با شکوه طبیعت، مدبر و مدیری وجود دارد که طبیعت و ذات همه چیز در برابر او خاضع اند و او هر گونه بخواهد آنها را به جریان می اندازد، دلیل این نکته آن است که قطعه های زمینهای به هم چسبیده با این که خاک آن ها طبیعت یکسانی دارد و در کنار هم قرار گرفته است، در آن، تاکستان ها و باغها با انواع انگور های مختلف می روید، قران از آن رو انگور را از میان میوه ها در این ایه انتخاب کرده است که انگور در زمره میوه های قرار دارد که انواع مختلف و پرشمار آن به لحاظ شکل، رنگ، طعم، اندازه، لطافت و خوبی با یکدیگر تفاوت های {گاه} بسیار عظیم دارند و نیز از همین خاک ها که دارند طبیعت یکسانی هستند انواع دانه های کشاورزی که از جهت های گوناگون اختلاف بسیار با هم دارند می روید و نیز از همین خاک با طبیعت یکسان درختان خرمایی که از یک ریشه روییده اند و درختانی که هر یک ریشه جداگانه دارند، می روید و همه آنها از یک آب و خاک تغذیه می شوند (...))

آری، خاک موجودی است که خداوند آن را در اختیار آدمیان نهاده و به مناسبت های مختلف با بهره وری از شیوه های گوناگون اهمیت و جایگاه آن را به انسان ها نمایانده و از این رهگذر به آنان آگاهی داده که خاک را موجودی حقیر و بی ارزش نشمارند.

توجه به اهمیت خاک و سودمندی های فراوان آن می تواند بستر مناسب و درخوری برای حفاظت و بهینه سازی آن فراهم آورد. در ادامه این درس اهمیت و ارزش خاک را از زاویه ای دیگر مورد بررسی قرار می دهیم.

باران، برکت و رزق الهی

قرآن از باران به عنوان ((مبارک))؛ یعنی با خیر و برکت و دارای سودمندی های بسیار یاد می کند:

{ و نزلنا من السماء ماء مبارکاً }

((و از آسمان آبی با برکت فرو فرستادیم))

این تعبیر قرآن بسی لطیف و آموزنده است؛ که این که به راستی باران سرچشمه خیر و برکت در زمین است و خداوند با انتخاب این واژه نشان می‌دهد که فضل و رحمت الهی در سرتاسر زمین گسترده است.

همچنین قرآن با عنوان رزق از باران یاد کرده است:

{و فی السماء رزقکم و ما توعدون}

((روزی شما و آنچه وعده داده می‌شوید در آسمان است.))

بر طبق روایات، قطره های حیات بخش باران و آبی که از آسمان بر زمین می بارد و در اختیار آدمی گذاشته می شود رزق و روزی اوست. امین الاسلام طبرسی در این باره می‌نویسد:

((این که خداوند فرمود روزی شما در آسمان است؛ یعنی خداوند روزی شما را از آسمان فرو خواهد فرستاد؛ بدین سان که باران را فرو می‌فرستد و به یمن آن انواع خوراک و پوشاک‌ها و اشیای مفید را از زمین می‌رویاند.))

باران و رویش گیاهان

پوشش گیاهی زمین و سرسبزی و خرمی آن از جلوه‌های عظمت و حکمت الهی است. قرآن تأکید می‌ورزد که این نعمت بزرگ الهی در گرو بارش باران است. از نگاه قرآن زمین بی گیاه، زمینی است که در خشکی سوخته و چونان گورستانی خاموش، چهره غمزده به خود گرفته و هنگامی که باران می‌بارد، میشکفتد، می‌جنبد و ترانه زیبایی و سرسبزی می‌سراید و حماسه بزرگ قدرت نمایی خداوند را می‌نماید.

{الم تر ان الله انزل من السماء ماء فتصبح الارض مخضرة ان الله لطیف خبیر}

((آیا ندیده‌ای که خدا از آسمان آبی فرو فرستاد و زمین سرسبز گردید، بی گمان خداوند لطیف و آگاه است.))

{هو الذی انزل من السماء ماء فاخرجنا به نبات کل شیء...}

((او کسی است که از آسمان آب فرو فرستاد و بدان وسیله گونه‌های گیاهی و جوانه های سبز و دانه های درهم تنیده رویاندیم...))

در این باره قرآن تعبیری بسیار لطیف و مخصوص به خود دارد؛ همانطور که پیش از این اشاره شد از نگاه قرآن زمین خشکیده و بی گیاه به موجودی افسرده و مرده می‌ماند بر گستره آن هیچ نشاط، شادابی و

حیات جنبشی به چشم می‌خورد و بارش باران، روحیات را در کالبد بی جان آن می‌داند و سرسبزی، خرمی و حیات می‌آفریند.

از این رو خداوند در آیات متعددی باران را سبب ((احیاء زمین)) قلمداد کرده است.

به طور خلاصه آب و باران زمینه ساز رویش انواع گیاهان، پدید آمدن باغ های سرسبز و میوه های رنگارنگ و سبب احیای مرتع ها و زمین های بایر است.

بارش باران

از نگاه قرآن و روایات، باران، رحمت، نعمت و از آیات الهی به شمار می‌رود که سرسبزی، خرمی و نشاط و به تعبیر بسیار لطیف قرآن حیات زمین را در پی دارد.

قرآن انسان را به تأمل درباره چگونگی باریدن باران فرا می‌خواند و و از سر چشمه لطف الهی بودن آن سخن می‌گوید و سودمندی های فراوان و آثار مبارک آن را گوشزد می‌کند؛ از این رو آدمیان باید قدر این نعمت الهی را بدانند و از آن به درستی بهره ببرند و خداوند را برای نزول رحمتش شکر کنند.

در این باره آیات و روایات فراوانی داریم که بررسی آنها فرصتی فراخ تر می‌طلبد اما در متون مذهبی از انبارش و ذخیره سازی نزولات آسمانی و استحصال آب از منابع زیرزمینی و کیفیت استفاده از آن نیز فراوان سخن رفته است.

به عبارت دیگر، باران از آسمان به هنگام و به اندازه بر زمین می‌بارد، این آبهای فرود آمده را چگونه می‌توان ذخیره ساخت و آب های در دسترس را چگونه باید مصرف کرد؟

اگر در انبارش نزولات آسمانی درست عمل نشود و مقدمات آن فراهم نیاید بخشی عظیم از این نعمت الهی به هدر می‌رود و گاه با راه افتادن سیل های بزرگ این نعمت به نعمت مبدل می‌گردد.

اگر آب های ذخیره شده را نتوانیم استخراج کنیم این ذخیره سازی بی فایده خواهد بود و اگر از آب های استخراج شده و یا در دسترس به درستی استفاده نکنیم و با بهره گیری غیر صحیح بخشی از آن را هدر دهیم خود را از یکی از بزرگترین نعمت های الهی محروم ساخته ایم.

ذخیره سازی نزولات آسمانی

خداوند متعال زمین را به گونه ای آفریده و به آن ویژگی هایی بخشیده که نزولات آسمانی را در دل خود و یا در دامنه ی کوه های بلند در مناطق سرد ذخیره و به تدریج این نزولات را در فصل تابستان در قالب نهرها، قنات ها، چشمه ها و چاه ها جلوه گر سازد و گیاهان، جانوران و آدمیان از آن بهره ببرند و حیات و زندگی و سرسبزی در زمین جلوه کند.

عناصر تشکیل دهنده طبیعت به گونه ای است که انسان نیز می تواند آب ها را در پشت سد های بزرگ و کوچک و یا در سفره های طبیعی زیرزمینی ذخیره سازد و از این رهگذر از هدر رفتن آنها جلوگیری کند. خداوند متعال می فرماید:

{فانزلنا من السماء ماء فاسقیناکموه و ما انتم له بخازنین}

((از آسمان آبی فرو فرستادیم، پس شما را از آن سیراب ساختیم و شما خزانه دار آن نیستید.))

از این آیه استفاده می شود که یکی از اهداف نزول باران فراهم آوردن آب مورد نیاز بشر است. اما برای رسیدن به این مقصد باید آب ذخیره شود و این خداوند است که آب را در منابع طبیعی زمین ذخیره می کند و یا زمینه ذخیره سازی آن را توسط بشر در طبیعت فراهم می آورد.

دو احتمال در معنای کلمه {و ما انتم له به خازنین} وجود دارد. نخست آنکه خداوند متعال قانون طبیعت را به گونه ای سامان داده که آب باران خود به خود در زمین نفوذ کرده و در خزینه های آن انبار می شود و بشر خود نمی تواند به چنین اقدام مهمی دست یازد.

مفسر بزرگ شیعه جناب طبرسی می نویسد:

((یعنی شما ای مردمان نمی توانید آن را نگه دارید. بلکه خداوند آن را در دریاها و اقیانوس ها حفظ می کند و آن را از آسمان فرو می بارد و آن گاه در خزینه های بزرگ زیرزمینی ذخیره می کند و به هنگام نیاز و به مقدار احتیاج، از طریق چشمه سارها جاری می سازد.))

دوم آنکه خداوند به وسیله منجمد ساختن آب در قله کوه ها به صورت برف و یخ و جاری ساختن آن در چشمه ها، قنات ها و چاه ها و حتی منبع ها و سدهایی که توسط آدمیان ساخته می شود، آب ها را ذخیره می کند؛ از این روی ذخیره سازی آب را- حتی در آنجا که بشر انجام داده است- به خداوند نسبت می دهیم؛ چه آنکه خود انسان، اندیشه و امکاناتی که برای نگهداری آب به کار می برد، مخلوق خداست. مانند آنچه در سوره واقعه در باره کشاورزی و زراعت آمده است؛

{افرایتم ما تحرثون التتم تزرعونه ام نحن الزارعون}

((آیا آنچه را کشت می کنید، ملاحظه کرده اید؟ آیا شما آن را (بی یاری ما) زراعت میکنید، یا ما این که زراعت میکنیم.))

هر یک از این دو احتمال، اهمیت انبارش آب به طور عام و انبارشان در منابع طبیعی به طور خاص اشاره دارد و تفاوت آنها در این است که بر پایه ی نظریه دوم نقش انسان هم تا حدودی لحاظ شده است. نیز از آیه استفاده می شود که آب های باران و برف در منابع طبیعی ذخیره شده و در نهایت به دریاها و اقیانوس ها رسیده و بخشی از آن به باران تبدیل می شود. مفسر بزرگ شیعه جناب علامه طباطبایی در این باره می نویسد:

((این آیه دلالت دارد که آب های ذخیره شده در زمین در نهایت به باران بدل می شود، و و این بر خلاف نظر دانشمندان زمان های گذشته است که می پنداشتند که آب کره ای ناقص که کره ی زمین را احاطه کرده و از عناصر چهارگانه به شمار می آید.))

نتیجه آنکه بر طبق این آیه، خداوند قانون باران و زمین را به گونه ای قرار داده که آب به داخل زمین راه یابد و در خزانه های بزرگ آن انبار شود تا نیازهای آدمی را برآورد.

افزون بر آیه یاد شده اصل ذخیره سازی آب و جلوگیری از هدر رفتن آن از مسائلی است که در روایات نیز بدان اشارت رفته و در زمره مسائل روشن قرار دارد. حضرت امام صادق - علیه السلام - می فرماید:

((... اگر کثرت ذخیره سازی آب در منابع طبیعی و جوشش آن از چشمه ها، قناتها و نهر ها نبود، انسان برای آبیاری درختان، مزرعه ها، غلات و سیراب کردن خود و چهارپایانش در تنگنا قرار می گرفت.))

انبارش آب در منابع طبیعی زیرزمینی

نگهداری آب های به دست آمده از برف و باران شیوه های مختلفی دارد که ذخیره سازی آب در منابع طبیعی زیرزمینی در زمره ی مهم ترین آنها به شمار می آید.

خداوند در قرآن کریم در این باره می فرماید:

{و انزلنا من السماء ماءً بقدر فاسکناه فی الارض و انا علی ذهاب به لقادرون}

((از آسمان آبی به اندازه فرو فرستادیم، پس آن را در زمین - در چشمه ها و منبع ها - جای دادیم و ما بر بردن آن تواناییم.))

از این آیه استفاده می شود که خداوند پوسته ی روی زمین را به گونه ای آفریده که چون باران ببارد، آب در آن نفوذ کرده، در زیرزمین انباشته می گردد و به سفره های بزرگی از آب تبدیل می شود.

بنابراین، روی قانون حاکم بر زمین و نزولات آسمانی آن است که آب باران به آسانی می تواند به درون زمین راه یابد و در آنجا ذخیره شود؛ از این رو انسان باید این قانون را پاس دارد و در تقویت و حفظ آن بکوشد.

در آیه ی دیگر خداوند می فرماید:

{الم تر ان الله انزل من السماء ماءً فسلکه ینابع فی الارض... }

((آیا ندیده ای که خدا از آسمان آبی فرود آورد، پس آن را به چشمه سار هایی که در زمین است راه داد...))

از این آیه شریفه نکته های زیر درباره ی انبارش آب در زیر زمین استفاده می شود:

۱- آب باران در زمین نفوذ می کند و به مخزنهای بزرگ انبارش آب می پیوندد.

این مطلب از کلمه ی ((سلوک)) استفاده می شود. به کار بردن این واژه به جای کلمه ی ((دخول)) و کلماتی از این دست بسیار لطیف و با معناست. سلوک به معنای پیمودن و رفتن تدریجی و کم کم است و در اینجا به معنای دخول و نفوذ تدریجی آب در داخل زمین است که از ویژگی های سطح زمین و باران نشأت می گیرد؛ بدین سان که باران نم نم و قطره قطره فرو می بارد- و نه یکباره- تا به آسانی در داخل زمین نفوذ کند.

حضرت امام صادق- علیه السلام- در این باره می فرماید:

۱- ((چون خداوند مقرر فرمود که باران از بالا فرو بارد، مقدر ساخت که قطره قطره بریزد تا به درون زمین راه یابد و در آن فرو رود تا زمین را سیراب گرداند. اگر به یکدفعه می ریخت به داخل زمین نفوذ می کرد و گیاهان و درختان را می شکست.))

برپایه ی این سخن، طبیعت نزول باران (و برف) به گونه ای است که اقتضای نفوذ در زمین و ذخیره شدن در آن را دارد و اگر در پوسته ی روی زمین مانع این باشد به آسانی در داخل آن نفوذ کرده و ((سلول آب در زمین)) تحقق می یابد و نتیجه ی آن، تشکیل سفره های بزرگ زیرزمینی آب و انبارش آن در مخزن های عظیم طبیعی در درون زمین است.

۲- همین آب های ذخیره شده در زمین است که به قنات ها، چشمه ها و چاههای آب تبدیل می شود.
به دیگر سخن، همین آب های برف و باران است که قنات ها، چشمه ها، نهرها و چاه های آب را به وجود می آورد.

در برخی روایات، این مطلب به طور بسیار روشنی بیان شده است. این نکته را معصومان- علیهم السلام- در زمانی بیان کرده اند که بسیاری از دانشمندان به پیروی از دانشمندان یونان عقیده ی دیگری داشتند.

حضرت امام صادق- علیه السلام- به شاگردش چنین می فرماید:

((ای مفضل! کوه ها برای آدمیان منافع فراوانی دارند. یکی از سودمندی های کوه ها آن است که برف ها بر آن ها قرار می گیرد و در قله های آن ها باقی می ماند و به تدریج در زمین نفوذ کرده و چشم های پر آبی را پدید می آورد. در پرتو به هم پیوستن همین(قنات ها) و چشمه هاست که رودخانه های بزرگ و کوچک به وجود می آید و به همین دلیل است که دامنه کوه ها معمولاً سرسبز و خرم است.))

امام علی- علیه السلام- نیز سخنی بدین مضمون دارد:

((خداوند متعال چشمه سارها را از زمین های بلند برآورد و آنها را در دشتها و پهنه ی بیابان ها به جریان انداخت...))

جناب علامه مجلسی در توضیح این سخن (با استفاده از روایات دیگر) می نویسد:

((چشمه ها از آب های ذخیره شده در زیرزمین به وجود می آیند، اما چون کوه ها منشاء شکل گرفتن رودخانه ها و چشمه هایند در روایات کوه ها و چشمه ها با هم آمده است.))

۳- میزان ذخیره سازی آب در منابع طبیعی زیرزمینی و رویدن گیاهان، سبزی و خرمی زمین رابطه وجود دارد.

استخراج آب ها (قنات ها، چشمه ها و چاه ها)

آب های ذخیره شده در زمین به صورت نهرها، قنات ها، چشمه ها و چاه ها استخراج می شود.

در این باره آیات و روایات و احکام فقهی فراوانی وجود دارد. نیز در تمدن اسلامی و ایرانی، به ویژه درباره ی قنات به مطالب مهم، سودمند و افتخار آمیزی بر می خوریم که در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود.

اهمیت نهرها و چشمه ها از دیدگاه قرآن

از آیات مختلف قرآن کریم استفاده می شود که نهرها و چشمه ها از نعمتهای بزرگی است که خداوند در این جهان به بندگانش ارزانی داشته و همگان را درباره آنها به تفکر و اندیشیدن فراخوانده است. گاه آنها را از آیات و نشانه های خود و گاه زمینه ساز هدایت آدمیان دانسته و تعبیراتی از این دست در قرآن فراوان است.

خداوند در برخی آیات از نهرها و چشمه‌هایی یاد می‌کند که در بهشت به مومنان و تقوایپیشگان خواهد داد.

از مجموع این آیات چنین به دست می آید که این چشمه ها و نهرها نیز از نعمت های گرانقدر و لذت آور بهشتی است.

ما به درستی نمی دانیم حقیقت و ماهیت این چشمه ها و نهرها چیست و بهشتیان از آنها چگونه بهره می برند. اما عناوین ((نهرها و چشمه های بهشتی)) ما را به این نکته رهنمون می سازد که چشمه ها و نهرهای زمین ارزشی والا دارند و از موهبتهای ارجمند الهی به شمار می روند و گرنه تعبیر چشمه و نهر بهشتی چندان مناسب نمی نمود.

به هر حال، از همه ی آیاتی که درباره ی چشمه ها و نهرها به دست آمده است به روشنی استفاده می‌شود که آنها در معیشت بشری و سرسبزی و حیاط زمین بسیار موثرند و بشر باید این نعمت بزرگ را پاس دارد و شکر خالق را به جا آورد؛ چرا که آب باران و برف باید به گونه‌ای بر زمین و در جای جای بیابانها و صحراها جاری شود که کام تشنه ی حیوانات و آدمیان را سیراب سازد و به مزرعه ها و باغ ها و دیگر گیاهان و درختان حیات بخشد.

از این روی، خداوند قوم عاد و فرعون و پیروانشان را سخت نکوهش می کند که قدر این نعمت را ندانسته اند و آن را پاس نداشته‌اند: {کم ترکوا من جنات و عیون زروع و مقام کریم}

چشمه ها، نهرها و کوه ها

خداوند متعال کوهها را به گونه ای آفرید و خصوصیاتی در خاک ها و سنگ ها و پستی و بلندی هایشان قرار داد که برف های انباشته شده در قله ها و دامنه های آن ها آرام آرام ذوب شده در زمین نفوذ کند و یا از دامنه ها سرازیر شود و چشمه ها و نهرهای کوچک و بزرگ را تشکیل دهد.

در قرآن کریم در موارد متعددی نهرها و کوه ها با هم آمده اند؛ مانند این آیات:

{و القى فى الارض رواسى أن تميد بكم و انهاراً و سبلاً لعلكم تهتدون}

((در زمین کوه های استوار در افکند تا شمارا نجنباند و رودها و راه ها پدید کرد شاید هدایت شوید.))

{هو الذى مد الارض و جعل فيها رواسى و انهاراً...}

((او کسی است که زمین را گسترانید و در آن کوه ها و رودها آفرید ...))

{امن جعل الارض قراراً و جعل خلالها انهاراً و جعل لها رواسى}

((آیا چه کسی زمین را قرارگاهی ساخت و در آن رودها پدید آورد و بر آن کوه ها قرار داد ...))

حضرت امام صادق- علیه السلام- در این باره می فرماید:

((ای مفضل! در این کوهها که سنگ ها و گل ها در آن ها انباشته شده، بیندیش که جاهلان و غافلان گمان می برند نیازی بدان ها نیست و وجود آنها زاید است. این کوه ها منافع بسیار دارند. یکی از آن منافع آن است که برف ها بر کوه ها می بارند و مقداری از آنها در قله های آنها باقی می ماند... و بقیه ی آنها آب می شود و چشمه های پر آب از آن به وجود می آید که از به هم پیوستن آنها رودهای بزرگ سامان می یابد.))

تقریباً مشابه این مطلب درباره ارتباط کوه ها و چشمه ها نیز صادق است.

نهر ها در تسخیر انسان

از برخی آیات استفاده می شود که خداوند آنها را به گونه ای در زمین آفریده و جاری ساخته که مسخر انسان باشد و آدمیان بتوانند آنها را در جهت منافع خود به کار گیرند و نیازهایشان را به وسیله ی آنها برآورند.

خداوند در قرآن می فرماید:

{الله الذى خلق السماوات و الارض و أنزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرات رزقاً

لكم و سخر لكم الفلك لتجرى فى البحر بامره و سخر لكم الانهار}

((خداست که آسمانها و زمین را آفرید و از آسمان آبی فرو فرستاد. پس به آن آب از میوه ها برای شما روزی بیرون آورد و کشتی را رام شما گردانید تا به فرمان او در دریا روان شود و رودها را رام شما کرد.))

این آیه شریفه ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که طبیعت رودخانه‌ها به گونه‌ای است که بشر می‌تواند آنها را مهار کند و در جهت منافع خود به کار گیرد. شاید بتوان از این آیه استفاده کرد که سیل‌ها نیز که گاه همچون رودی سرکش به حرکت در می‌آیند، قابل مهار و کنترل هستند. علامه طباطبایی - رحمت الله علیه - در تفسیر آیه می‌نویسد:

((نهرها؛ یعنی آبهایی که در رودخانه‌های زمین جریان دارند. مقصود از مسخر بودن آنها آن است که بشر نهرها را به سمتی هدایت کند که منافعش برآورده شود؛ مثلاً برای نوشیدن، نظافت، آبیاری گیاهان و سیراب‌سازی حیوانات - که این دو نیز در تسخیر آدمیان است - از آن بهره ببرند.))

قنات‌ها

بر پایه شواهد تاریخی، نیاکان ما در سه هزار سال پیش به ابداع قنات دست یازیدند و به تدریج آن را در سرتاسر این سرزمین کهن و مقدس گسترانیدند.

مروری بر اثر تغییر و تحول، چالش‌ها، تلاش‌ها، ابداعات و ابتکارات و خلاقیت‌های ایرانیان در تامین آب برای مصارف مختلف، نشانگر این واقعیت است که پیشینیان ما با بسیاری از آنچه امروز به عنوان یافته‌های نوین در این زمینه شناخته شده است، آشنا بوده‌اند.

اما شگفت‌آورترین آنها ابتکار قنات‌سازی و قنات‌داری است. قنات‌داری در واقع شیوه‌ای است برای استحصال آب‌های زیرزمینی که همدلی با طبیعت و کوشش و عشق به یافتن آب در آن نهفته است.

پس از ظهور اسلام، مسلمانان بر آن شدند تا مشکل کم‌آبی مناطق خشک فرآوری خود را جبران کنند. آنان از تجربه‌های سودمند ایرانیان در ساخت قنات بهره‌بردند و نخستین آثار علمی درباره‌ی آب در جهان اسلام به‌خامه‌پریمایه‌ی جابر بن حیان نوشته شد.

در قرن چهارم، محمد بن حسن حاسب کرجی کتاب ((انباط المیاه الخفیه)) (استخراج آب‌های زیرزمینی) را نگاشت که کتاب جامع و علمی درباره‌ی قنات‌سازی و استخراج آب است.

به‌طور کلی مسلمانان توفیق یافتند تجربه‌های گرانقدر ایرانیان را درباره‌ی قنات تدوین کرده و به‌علاقه‌مندان این فن عرضه کنند. پس از کرجی کتابهای مختلف دیگری در این باره نگاشته شد که معرفی آنها فرصتی فراخ‌تر می‌طلبد.

فواید گیاهان

درختان، گیاهان، جنگل ها، مرتع ها، بوته ها، گل ها و میوه ها سودمندی های فراوانی دارند و نقش عظیمی در زندگی بشر ایفا می کنند. آنها هوا را لطیف، آب های زیر زمینی را ذخیره و دمای محیط را متعادل می سازند. بر میزان بارندگی می افزایند و تنها منبع تغذیه دام و طیور به شمار می آیند. بخش بزرگی از مواد غذایی مورد نیاز انسان از گیاهان به دست می آید. گیاهان در حفاظت از خاک - این نعمت عظیم الهی - بسیار موثرند و بستری مناسب و درخور برای حفظ حیات وحش محسوب می شوند و زمینه ی گسترش سیل های خانمان برانداز و ویرانگر را از بین می برند. در قرآن و سخنان معصومان -علیهم السلام- از فایده های گوناگون و پرشمار گیاهان با تعبیرهای بسیار دقیق و گاه شگفت انگیز یاد شده است. قرآن گیاهان را دارای سودمندی های بسیار می داند و از آنها تحت عنوان ((نعمت)) ((رزق)) و ((برکت)) یاد می کند. خداوند متعال در قرآن می فرماید:

((...و زمین را برای آدمیان بنهاد، در آن میوه (ها) و درختان خرما، غلاف دار و دانه های پوست دار و گیاهان خوشبوست. پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را دروغ می انگارید؟))

در این آیه خداوند گیاهان، مرتع ها، درختان خرما، دانه ها و گل های خوشبو را از نعمت های خود بر می شمارد و به آدمیان هشدار می دهد که مبدا آنها را دست کم انگارند و به آن بی توجه باشند. در آیات دیگری می فرماید:

((خداست که آسمانها و زمین را آفرید و از آسمان آبی فرو فرستاد. پس به آن آب از میوه ها برای شما روزی بیرون آورد... و اگر بخواهید نعمت خدا را بشمارید آنرا شمار نتوانید کرد. هرآینه آدمی و ستمگر و ناسپاس است.))

((و از میوه های درختان خرما و تاک ها که از آنها شراب مست کننده و روزی نیکو بر میگیرید. همانا در آن نشانه ای است برای گروهی که خرد را به کار ببرند.))

((از آسمان آبی با برکت فرود آوردیم. پس بدان بوستان ها دانه های درو کردن ای مانند گندم و جو و ارزن رویانیدیم و نیز درختان خرما، بلند را که میوه های برهم نشانده دارند تا روزی بندگان باشد.))

قوام زندگی بشر به تغذیه است و تغذیه سالم از گیاهان فراهم می آید. خداوند متعال در این آیات آدمیان را به این نکته توجه می دهد. قرآن کریم در این باره تعبیر رسا و لطیف دارد و از گیاهان به عنوان ((رزق)) یاد میکند. رزق آن است که بقا و حیات بشر در گرو آن باشد، و گیاهان دارای چنین ویژگی هستند.

از این رو به لحاظ شرعی و اخلاقی شکر روزی دهنده و حفاظت از ((رزق)) و دوری از اسراف و تبذیر نیز لازم است.

قرآن با تعبیرهای دل انگیز و بی مانند سبزه ها و گیاهان را بر گستره ی زمین جلوه ی حیات می داند و زمین سوخته و بی گیاه را مرده و بی جان، و بدین سان جایگاه والای گیاهان را در زندگی آدمیان یادآور شده و آن را به اندیشه فرا می خواند؛ بنگرید:

{و الله انزل من السماء ماء فاحيا به الارض بعد موتها ان في ذلك لآيه لقوم يسمعون}

((خداست که از آسمان آبی فرو فرستاد، پس با آن زمین را پس از مردگی زنده کرد. همانا در آن نشانه ای است برای مردمی که بشنوند.))

{و من آياته يريكم البرق خوفاً و طمعاً و ينزل من السماء ماءً فيحيى به الارض بعد موتها ان في ذلك لاياتٍ لقوم يعقلون}

((از نشانه های او آن است که برق را برای بیم و امید به شما می نماید؛ و از آسمان آبی فرو می فرستد تا زمین را پس از مردگی اش زنده کند؛ همانا در آن برای مردمی که خرد را کار بندند نشانه هاست.))

بر پایه دست کم ۱۱ آیه از آیات قرآن، گیاهان زمین را ((احیاء)) می کنند. با توجه به اینکه زمین موجودی است بی جان، این پرسش به ذهن می آید که احیای زمین به چه معناست؟

مفسران در تفسیر ((احیاء)) اختلاف نظر دارند. بسیاری از آنان ((احیاء)) را رویانیدن گیاهان و سبز و خرم شدن زمین می دانند. از نگاه آنان مرگ زمین به معنی خشکیده بودن و تهی بودن آن از گیاه است و مقصود از زنده شدن زمین رویش گیاهان و سبزه ها بر گستره ی آن است.

گو این که آن دسته از مفسران که گفته اند مقصود از احیای زمین، زنده شدن آن با رویش گیاهان است؛ همین نظر را پذیرفته اند.

برخی از مفسران بر این باورند که مقصود از احیا، دمیدن روح حیات در خود زمین است، نه زنده شدن به گیاهان و رویش آنها. زمین بی آب و گیاه، در حقیقت مرده است و کالبدی بی جان دارد، آب اکسیر حیات است و سبزه ها جلوه ی آن، از این روی چون باران بر آن فرو بارد زمین زنده می شود، در آن جنبشی پدید می آید و گیاهان، ثمره و نشانه ی این حیاتند.

نظر سوم در این باره آن است که مقصود از ((احیای زمین)) احیای اهل زمین است؛ چه زمین بی گیاه نمی‌تواند بستر حیات آدمیان باشد و برآورنده ی نیاز آنان. در برخی از آیات به جای ((واژه زمین)) احیا به ((بلده)) نسبت داده شده، گو آن که طرفداران این نظریه ((بلده)) را کنایه از اهل و ساکن آن دانسته اند.

فخر رازی در توضیح آیه ۱۶۴ سوره بقره می‌نویسد:

((احیای زمین در این آیه، احیای آن از جهت های گوناگون است:

۱- روییدن گیاهانی که مرتع ها را سامان می دهند؛ یعنی گیاهانی که زیست جنبندگان به آنها بستگی دارد؛

۲- رویش گیاهانی که روزی آدمیان را فراهم می آورند؛

۳- خداوند این گیاهان را به اندازه نیاز می رویاند؛ زیرا او ضامن فراهم آوردن رزق حیوانات است: ﴿و ما من دابة الا الارض الا على الله رزقها﴾؛

۴- در این گیاهان انواع رنگ ها، مزه ها، کوه ها، عطر ها و مواد اولیه پوشیدنی ها یافت می شود- و این نیز نوعی احیا به شمار می آید؛

۵- روییدن این گیاهان در زمین به آن دل انگیزی، خرمی، رونق و نشاط می بخشد و این نیز حیات است.))

تأثیر گیاهان بر روح و روان انسان

تماشای گلبرگ های لطیف و خوش رنگ، غنچه های زیبا با نشاط، شکوفه های دلربا و جذاب، گل‌های رنگارنگ و با طراوت، میوه های متنوع و دل انگیز، ترکیب موزون برگ ها، شاخه ها و دیگر اجزای درخت و چشم انداز بهجت آور بوستان ها و جنگل ها، انسان را غرق در لذت و شادی می کند؛ آرامشی عمیق بدو می‌بخشد؛ فطرتش را بیدار و جانش را زنده و شاداب می سازد؛ افسردگی ها و غم ها را می زداید و در وی تازگی و سرور می آفریند. خداوند متعال در این باره می فرماید:

﴿و تری الارض هامدة فاذا انزلنا عليها الماء اهتزت و ربت و انبتت من كل زوج بهيج﴾

((زمین را مرده و افسرده بینی و چون آب (باران) بر آن فرو باریم بجنبند و بردمد و انواع گیاهان زیبا و شادی آفرین را برویاند.))

کلمه (بهیج) از ماده ((بهجه و بهجت)) است که به معنای شادی، خوشحالی و سروری است که از نیکویی و زیبایی چیزی برخیزد.

بر پایه نظر شیخ طوسی در تفسیر تبيان و طبرسی در مجمع البیان، بهجت به اشیای زیبا و نیکو گفته می شود که دیدن آنها لذت آور و شادی آفرین باشد؛ مانند شکوفه های رنگارنگ، درختان خرما و باغ های سرسبز. برخی گفته اند ((بهیج)) چیزی است که هر کس آن را ببیند حالت وجد و سرور به وی دست دهد؛ یعنی به معنی ((مبجوج به)) است.

از این آیه شریفه استفاده می شود که در پرتو فرود آمدن باران زمین جنبشی سرورآمیز را آغاز می کند و در پی آن، انواع گوناگون و پر شماری از گیاهان در آن می روید و سرسبزی و خرمی آن چشم هر بیننده را می نوازد و قلبش را سرشار از شادی و بهجت می کند.

زیرا بر طبق ظاهر این آیه و آیات مشابه، زمین بی گیاه، مرده، افسرده و خمود است و چون باران بر آن فرود آید حرکت و جنبشی در آن آغاز می شود و به تعبیر قرآن، ((به اهتزاز)) در می آید. ((اهتزاز)) در زبان عربی به معنی حرکت و جنبش است و غالب مفسران در این آیه، آن را به همین معنی دانسته اند اما برخی مفسران کتاب خدا سخنی ظریف در این باره گفته اند. آنان بر این نظرند که اهتزاز به هر حرکت و خیزش گفته نمی شود، بلکه به معنی جنبش و تحرکی است که نشاط آمیز باشد. خداوند متعال می فرماید:

((از نشانه های قدرت خداوند آن است که زمین را پژمرده و فرسوده میبینی، پس چون آب بر آن فرستیم بجنبند و به نشاط آید...)).

یکی از موهبت های الهی در زمین، مرتع ها، جنگلها و گیاهانی است که به صورت خودرو در دامنه کوه ها، دشت ها و صحراها سر از زمین برمی آورند و زمین را به سبزه زار هایی دل انگیز، با طراوت، بهجت آفرین و سودمند مبدل می سازند.

پوشش گیاهی زمین اعم از جنگلها و مراتع ها در حفاظت از آب و خاک - دو نعمت بزرگ الهی و رمز و راز بقای حیات بشر - سهمی بسزا دارند. وقتی باران های پیاپی و تند بر زمین های بی گیاه یا کم گیاه می بارد، جریان های باریک که آب به هم می پیوندند و به سیل های ویرانگر و زیانبار تبدیل می شود و با شستن و با خود بردن خاک های حاصلخیز، فرسایش آبی خاک پدید می آید و در یک جمله باران که رحمت و نعمت الهی است به نعمت مبدل می شود.

درباره جنگل ها و مراتع در قرآن و سخنان معصومان - علیهم السلام - مطالب متنوعی آمده است که شرح آنها فرصتی مناسب می طلبد و با حجم این اثر تناسب ندارد.

در قرآن با واژه‌هایی چون شجر، نبات، زوج کریم، جنات معروشات، جنات الفافأ، حدائق غلبا، اب، مرعی ... جنگل‌ها و مرتع‌ها اشاره شده است. در روایات رسیده از معصومان -علیهم السلام- به میزان گسترده‌تری از عناوین فوق یاد و مسائل مرتبط به آنها طرح شده است. به طور خلاصه نتیجه بررسی آیات قرآن و گروهی از روایات درباره مراتع و جنگل‌ها به قرار زیر است:

۱- مرتع‌ها و جنگل‌ها در زمره نعمت‌ها و موهبت‌های بزرگ الهی قرار دارند که آدمیان باید در برابر این نعمت شکر گذار باشند و در حفاظت و بالندگی آنها بکوشند. علامه طباطبایی در ذیل یکی از آیات مرتبط به مرتع‌ها ((او کسی است که از آسمان برایتان آب فرو فرستاده، از آن می نوشید و رویدنی‌هایی که چهارپایان تان را در آن می چرانید))، چنین می نویسد:

((این آیه در پی آن است که نوعی دیگر از نعمت‌های الهی را بیان کند و آن نعمت گیاهان و نباتات است که انسان و حیوانات از آن تغذیه می کنند.))

۲- از دیدگاه قرآن جنگل‌ها و مرتع‌ها اهمیت فراوانی دارند. با صرف نظر از آیاتی که با به کارگیری واژه‌هایی از قبیل ((نبات)) شامل مرتع‌ها میشود و کلماتی از قبیل ((شجر)) و... که شامل جنگل‌ها می‌گردد، دست‌کم شش آیه از قرآن به جنگل‌ها و شش آیه نیز به مرتع‌ها اختصاص دارد و درباره هر یک از این دو، در روایات متعددی نیز از معصومان -علیهم السلام- وارد شده است که این همه نشانگر اهمیت خاصی است که قرآن و روایات به جنگل‌ها و مراتع داده است.

افزون بر این که تعبیر‌هایی از قبیل نعمت بودن جنگل‌ها و مراتع، متاع زندگی، زوج کریم و... از اهمیت آنها در اندیشه قرآنی حکایت دارد.

۳- جنگل‌ها و مراتع بستر و به تعبیر قرآن (مطاع) (متاعاً لکم و لانعامکم) زندگی حیوانات هستند و آنان نیز در جنگل‌ها سهیم‌اند. جنگل‌ها کانون تنوع زیستی حشرات و حیوانات و پرندگان است و شرایط آنها به گونه‌ای است که همه نیازهای این موجودات را برآورده می‌کند.

حضرت امام صادق -علیه السلام- به مفضل چنین می‌فرماید:

((ای مفضل! درباره گستردگی زمین بیندیش و اگر گستره زمین اینگونه نبود (محدود بود) مسکن‌ها، مزرعه‌ها، مراتع، جنگل‌ها و کانون تولید چوب‌ها و... را بر نمی‌تابید شاید برخی بگویند این بیابان‌های دهشتناک چه سودی دارد؟ پاسخ آن است که این بیابان‌ها زیستگاه و خانه امن و چراگاه چهارپایان و پرندگان است.))

افزون بر این که واژه ی ((مرعی)) که دو بار در قرآن آمده است؛ یا به معنای چریدن و یا علف چریده شده و یا به معنای محل چریدن و چرانیدن؛ یعنی چراگاه، گیاه زار و مرتع؛ در هر دو فرض یاد شده اصولاً در نامگذاری ((مراتع)) حقوق حیوانات در نظر گرفته شده است.

از این رو نبود کردن مراتع در واقع تجاوز به حقوق دامها و حیوانات بی زبانی است که در برابر انسانهای مقتدر و ستمگر نمی توانند از خود دفاع کنند.

۴- برخی آیات مرتبط به جنگلها، گیاهان و محصولات کشاورزی به شدت از اسراف و زیاده روی در بهره‌برداری از آنها نهی می‌کند و با به کار گرفتن واژه {و لا تسرفوا إنه لایحب المسرفین} به آدمیان هشدار می‌دهد که زیاده روی در مصرف این نعمت های الهی از گناهان است و خداوند اسراف کاران را دوست ندارد.

۵- جنگلها و مراتع نشانه هستی، حکمت، قدرت و علم لایزال الهی اند، و زیبایی، نظم حیرت آور، شگفتی ها، رمز و راز و هزار و یک نکته نهفته در آن ها از وجود دانش و تدبیر ناپیدا کرانه ای حکایت دارد که در پشت پرده ی آفرینش خدایی میکند.

نیز رویش این گیاهان از موجودات بی جان، نوع ایجاد حیات است در مردگان و نشانگر درستی معاد؛ یعنی خدایی که قدرت دارد از موجودات بی جان؛ یعنی دانه‌ها چنین مجموعه عظیمی از جنگلها و مرتع ها بیافریند، می‌تواند مردگان را نیز زنده کند.

از این رو خدادر قرآن آدمی آن را به تأمل و خرد ورزی درباره جنگلها و مراتع فراخوانده است.

کشاورزی در قرآن و سخنان معصومان -علیهم السلام-

چه زیبا و دیدنی است هنگامی که کشاورز بیل بر دوش، به گاه غروب خورشید با چهره خسته اما امیدوار و با نشاط از سرزمین به خانه باز می‌گردد و شبانگاه که بر سفره می‌نشیند ناخودآگاه به خود می‌بالد که از راه حلال می‌خورد و غذایش حاصل تلاش های فراوان و عرق های ریزانی است که از بام تا شام داشته و با بهره‌وری از آب و خاک توانسته به محصولی دست یابد که غذای و بسیاری از هم نوعانش است.

کشاورزان گنجینه های خداوند بر روی زمینند؛ چه از آب و خاک، دانه ها، میوه ها، گل ها و گیاهانی تولید می کنند که از روی خوراک و پوشاک آدمیان را فراهم می آورند و از طرفی به زمین زیبایی و طراوت می بخشند. در این درس برخی آیات قرآن و روایات را که درباره فضیلت کشاورزی وارد شده است به مرور و مذاقه می نشینیم؛ امید که آموزش های لازم را فرا گرفته و به کار ببندیم.

فضیلت کشاورزی در آیات قرآن

آیات قرآن درباره کشاورزی فراوان است، و تنظیم، تفسیر و تبیین تمامی آن ها در این فشرده نمی گنجد. از این رو در این درس گروهی از این آیات را فراروی خوانندگان می دهیم.

به طور کلی از این آیات به دست می آید که کشاورزی مورد عنایت خدای تعالی است؛ چه آن که در آیات مختلف از کشاورزی و کشاورزان سخن به میان آمده است.

نیز از این آیات استفاده می شود که طبیعت به عنوان بستری مناسب برای کشاورزی، از نعمتهای بزرگ الهی است که خداوند و سرلوحه در اختیار آدمیان نهاده است.

بادها می وزد و با خارهای برآمده از دریاها را مترکم ساخته به ابرهای سنگین و کوهوار مبدل می سازد. سپس باران از آسمان فرو می بارد و نهرها، رودها و چشمه ساران به راه می افتند. خاک با استعدادهای گوناگون و شگفت انگیز خود با آب در می آمیزد و بذرها در دل خاک شکافته می شوند و جوانه میزنند. عوامل مختلف قانونمند و هماهنگ دیگری دست به دست هم می دهند و زمینه ی سربرآوردن، رشد و ثمردهی گلها و گیاهان را فراهم می آورند.

تأمل در این شگفتی ها جان های سالم و فطرت های پاک را به علم، قدرت و حکمت خالق یکتا رهنمون می سازد.

طبیعت به عنوان بستری برای کشاورزی و قوانین بسیار دقیق، پیچیده و شگفت انگیز رابطه ی آب خاک و گیاه و رویش و پویش نباتات آیت هستی پروردگار و گروهی از صفات اوست. اما انسان غالباً از این نعمت و آیت الهی غفلت می ورزد؛ و به اهمیت کشاورزی توجه دارد و از نعمت و آیت بودن این امور؛ یاد می کند.

از این رو قرآن همواره در انسان تنوع می آفریند و اهمیت، فضیلت و سودمندی های کشاورزی و طبیعت را به عنوان بستری برای آن، به آدمیان یادآور می شود؛ باشد که انسانها از خواب غفلت بیدار شده و جایگاه واقعی و منزلت درخور کشاورزی را دریابند. اینکه گروهی از این آیات توجه کنید:

{و هو الذى انزل من السماء ماءً فخرجنا به نبات كل شىء فاخرجنا منه خضراً منه حباً متراكباً و من النخل من طلعتها قنوان دانيه و جنات من اعناب و الزيتون و الرمان مشتبهاً و غير متشابه انظروا الى اذا اثمر و ينع و ان فى ذلكم لآيات لقوم يؤمنون}

((و اوست که از آسمان، آبی فرو فرستاد و بدان هر گونه گیاه بیرون آوردیم، و از آن جوانه ی سبز رویانیدیم و از آن دانه های بر هم انباشته بیرون آوردیم، و از شکوفه ی خرما خوشه‌ای در دسترس و باغ های انگور و (درختان) زیتون و انار (پدید آوردیم) که همانند و ناهمانند هستند. به میوه‌های آن چون میوه دهد و به رسد بنگرید. در این برای اهل ایمان، مایه های عبرت است.))

{و هو الذى انشاء جنات معروشات و غير معروشات و النخل و الزرع مختلفاً ا اكله و و الزيتون و الرمان متشابهاً و غير متشابه كلوا من ثمره اذا اثمر و اتوا حق يوم حصاده و لاتسرفوا انه لا يحب المسرفين}

((و او کسی است که باغ های (دارای درختان) داربست دار و بدون داربست پدید آورده است و نیز درخت خرما و زراعتی که میوه‌های آن گوناگون است، و درخت زیتون و انار که همانند و ناهمانند اند. از میوه آن چون میوه برآورد بخورید و روز چیدنش حق (بینوایان) از آن را بپردازید، ولی اسراف نکنید که او اسراف کاران را دوست ندارد.))

{و انزلنا من المعصرات ماء ثجاجاً لنخرج به حباً و نباتاً}

((از ابرهای متراکم آبریزان فرود آوردیم تا بدان دانه و گیاه برویانیم.))

{فلينظر الانسان الى طعامه انا صببنا الماء صبا ثم شققنا الارض شقاً فانبتنا فيها حباً و قصباً و زيتوناً و نخلاً و حدائق غلباً و فاكههً و اباً متاعاً لكم و لانعامكم}

((پس آدمی باید به غذای خود بنگرد ما از آسمان آب را به صورت بارشی فرو ریختیم؛ آنگاه زمین را با شکافتن ای (لازم) شکافتیم و در آن دانه (ها) رویانیدیم و انگور و سبزی و زیتون و خرما و باغ‌های (با درختان) در هم تنیده و میوه و چراگاه، تا وسیله استفاده شما و دام هایتان باشد.))

{الم تر ان الله انزل من السماء ماء فسلكه ينابيع فى الارض ثم يخرج به زرعاً مختلفاً الوانه ثم يهيح فتراه مصفراً ثم يجعله حطاماً ان فى ذلك لذكرى لاولى الباب}

((آیا ننگریسته ای که خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد و آن را در (مخزن) چشمه سازان در دل زمین راه داد، سپس بدان، کشتزاری به رنگ‌های گوناگون بر می آورد، سپس (آن کشت) می خشکد و آن را زرد می بینی، سپس آنرا خرد و خوار می‌کند؛ در این امر برای خردمندان یادآوری است.))

{وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا فَانْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ}

((و از آسمان آبی پربرکت فرو فرستادیم، آن گاه بدان بوستانها و دانه و درو کردنی رویانیدیم.))

{أَو لَمْ يَرَوْا أَنَا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرْزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ}

((آیا ننگریسته اند که ما آب (ابره‌ای باران زا) را به سوی سرزمین خشک می رانیم و بدان کشتزاری بر می آوریم که چهارپایان شان و خودشان از آن می خورند، (آیا به چشم بصیرت) نمی نگرند؟))

{فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ}

((در آن (زمین) میوه (ها) و نخل ها با خوشه های غلاف دار و دانه های پوست دار و گیاهان خوشبوست))

{وَأَيُّ لِهْمِ الْأَرْضِ الْمَيْتَةِ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا مَنًى يَأْكُلُونَ}

((و زمین پژمرده (بایر) مایه عبرتی است برای آنان، که زنده اش گردانیدیم و از آن دانه بر آوردیم که از آن می خورند.))

{يَنْبِتْ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ}

((با آن (آب) برای شما زراعت و زیتون و خرما و انگور و از هرگونه محصولات (دیگر) می رویاند؛ بی گمان در این برای اندیشه وران مایه عبرتی است.))

{وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٍ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَزُرْعٍ وَنَخِيلٍ صُنُونٍ وَغَيْرِ صُنُونٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَ نَفْضٍ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ}

((و در زمین قطعاتی است نزدیک به هم و باغهای از (درختان) انگور و کشت های گوناگون) و خرما، همانند و ناهمانند، که همه به یک آب سیراب می گردند و (با این همه) میوه های بعضی را بر بعضی دیگر (از حیث مزه و نوع و کیفیت) برتر ساخته ایم. بی گمان در این خرد ورزان دلایل (روشن) است.))

{رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي مَبَادِئَ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ أَنْدِ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَفَاجِعِهِمْ أَفْتَدِهِمْ مِنَ النَّاسِ تَهْوَى إِلَيْهِمْ وَارْزُقَهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ}

((پروردگارا! من برخی فرزندانم را در سرزمین بی آب و علف، در جوار بیت الحرام تو سکنا داده‌ام، پروردگارا! تا نماز به پا دارند، پس دل های برخی از مردم را به آنان مهربان کن، و از محصولات روزیشان بخش، باشد که سپاس بگذارند.))

{و زروع و نخل طلعهها هضمیم}

(و کشتزارها و خرما بنانی که شکوفه های شان لطیف است)

{و زروع و مقام کریم}

((و کشتزارها و خانه های نیکو))

از این آیات نکته های مختلف و متعددی درباره ی کشاورزی به دست می آید که تفسیر آنها فرصت فراخ تری می طلبد و در این فشرده نمی گنجد. در اینجا به عنوان نتیجه گیری از آیات نکاتی چند را متذکر می شویم.

۱- رابطه شگفت آوری میان بارش باران، آب، خاک و رویش و پویش گیاهان وجود دارد که خداوند آدمیان را به تأمل در آن فرا می خواند و این نظام شگفت انگیز را آیت وجود خود می داند؛

۲- باران سهم اصلی و ممتازی در سرسبزی و رونق کشاورزی دارد آب نعمت بزرگ الهی است که باید قدر آن را دانست و در مصرف درست و بهینه آن کوشید؛

۳- هرگونه اسراف در محصولات و فرآورده های کشاورزی و منابع طبیعی از قبیل آب، خاک و ... جایز نیست و خداوند به شدت از آن نهی کرده است؛

۴- آدمیان باید بدانند که رویش گیاهان در پرتو بارش باران و زمینه مناسب و مساعد خاک و هوا عملی است بزرگ که توسط خداوند متعال انجام می پذیرد و سهم بشر در آن بسیار ناچیز است؛

۵- بر کشاورزان واجب است زکات و حق فقیران را از محصولات کشاورزی بپردازند.

خداوند شکافنده دانه ها و برآورنده بوته ها

تولید محصولات کشاورزی کار آسانی نیست و زمین باید آماده شود؛ کشاورزان بذر بپاشند؛ دانه ها در خاک را بشکافند و از زمین سر برآورند؛ رشد کرده و ببالند و در برابر آفت ها مقاومت کنند، با عوامل

محیطی هماهنگ شوند و در پی این همه، قد برافراز اند و سبزی و طراوت را برای حیوانات و آدمیان به ارمغان آورند، و غنچه ها، شکوفه ها و گل ها با برتارک شاخسار شان بنشینند.

به فرجام رسیدن این مراحل اسباب و زمینه‌های گوناگونی می‌طلبد. در این میان سهم کشاورزان چیست و آنان چه جایگاهی در طی این مراحل دارند؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت کشاورزان تنها بذر می‌پاشند و گاه زمین را شیار کرده و خاک‌ها را زیر و رو می‌کنند و در زمان‌های معینی زمین را آب و گاه کود می‌دهند و دیگر هیچ.

از نگاه قرآن این قدرت لایزال الهی است که اجزای پیکره شکوهمند طبیعت را به گونه‌ای هماهنگ فرموده که دانه‌ها خاک را بشکافند و از دل زمین سربر آورند.

{افرا یتیم ما تحرثون ءأنتم تزرعونه ام نحن الزارعون}

((آیا دیدید آنچه را کشت می‌کنید آیا شما آن را رویندید یا ما رویننده ایم؟))

در واقع، این خداوند است که روینیدن و به ثمر نشستن بوته‌ها را سامان داده و به پایان می‌برد. آدمیان تنها می‌کنند و آبیاری می‌کنند و در حراست از آن به طور محدود می‌کوشند.

((لا یقولن احدکم زرع و لیقل حرث فان الزارع هو الله.))

((کسی از شما نگوید که کشاورزی کردم، بلکه باید بگوید کاشتم (روینادن گیاهان) و کشاورزی فقط کار خداوند است)).

آیه‌های پر شمار دیگری از قرآن این واقعیت را بیان داشته و بارش باران، رویش درختان و... خداوند نسبت داده است. هر گاه آدمی با ذهنی به دور از تعصب و فطرتی سالم و نیالوده در شگفتی‌های رویندن گیاهان و هماهنگی حیرت‌آوری که طبیعت در این باره دارد، بیندیشد روشنی خواهد فهمید که رویندن گیاهان مقدماتی دارد و امکاناتی می‌طلبد که فراهم آوردن آنها بسیار فراتر از قدرت آدمیان است و نیز به نشانه‌هایی از هستی و قدرت خداوند دست خواهد یافت.

دانه‌ها و هسته‌ها بی حرکت و بیجان اند، اما آنگاه که در دل خاک قرار گیرند، زنده و شکافته می‌شوند و از این موجود بی جان ریشه‌های پرتحرک پدید آمده در عمق زمین نفوذ می‌کند. نیز ساقه‌ها از آن به وجود آمده و به سمت آسمان حرکت و رشد می‌کنند. در این باره و در توزیع آیه ۹۵ سوره انعام در کتاب دنیای گیاهان در قرآن چنین آمده است:

((...خداوند متعال در این آیه شریف خردمندان و صاحبان نظریه های سالم و پاک را مخاطب قرار داده و به آنان خبر می دهد که تنها است که می تواند دانه ها و هسته ها را به شکافت و چیزی را از نقیضش بیافریند. از این روی برخی مفسران بخش دوم آیه را: {يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ} تفسیر کننده ی بخش اول آن: {فَالقَّ الْحَبِّ وَالنَّوَى} می دانند؛ یعنی؛ بخش دوم آیه (خداوند زنده را از مرده بیرون می آورد) به آدمیان تنبه می دهد که پدیدآورندگان گیاهی زنده، پویا و بانشاط از دانه ای ساکن، مرده و راکد در واقع از مرده زنده ساختن است و از سکون و رکود، پویایی و تحرک آفریدن. امام فخر رازی در تفسیر این آیه شریف بیانی دل انگیز و لطیف دارد؛ او نوشته است:

((...آنگاه که دانه یا هسته در زمین نمناک جای گیرد و زمانی معین بر آن بگذرد خداوند شکافی در سمت بالای آن پدید می آورد و شکافی در طرف پایین آن. از شکاف نخست ساقه بر می آید و به جانب بالا سر می کشد و از شکاف دوم ریشه ها پدید می آید و به طرف عمق زمین فرو می رود و این صحنه شگفتی هایی دارد؛ یکی آنکه خاک درونی زمین سخت است و نفوذ در آن دشوار و گاه به گونه ای است که کارد آهنی تیز در آن فرو نمی رود و با این حال ریشه های بسیار نازک، لطیف و نرم -طوری که اگر آنها را میان دو انگشت به فشار این آب می شود- از میان این خاک های سخت می گذرد و در اعماق آن روی که می توانند و این جز با تقدیر الهی امکان پذیر نیست.))

از همین روی خداوند در ذیل این آیه انکار پروردگار را قبیح و بیشرمانه دانسته و فرموده است:

{ذَلِكِ اللَّهُ فَنِي تَوْفِكُونَ}

((چنین است خدای شما، چگونه به بیراهه می روید؟))

جنبه نمادین کشاورزی در قرآن

در قرآن کریم برای تبیین مطالب مختلف، گاه از مفاهیم مرتبط به کشاورزی به صورت تمثیل استفاده شده است. برای آشنایی خوانندگان ارجمند، برخی از آنها را یادآور می شویم.

{محمد رسول الله و الذين معه اشداء على الكفار رحما بينهم تراهم ركعاً سجداً يبتغون فضلاً من الله و رضواناً سيماهم في وجوههم من اثر السجود ذلك مثلهم في التوراه و مثلهم في الانجيل كزرع اخرج شطئه فازره فاستغلظ فاستوى على سوقه يعجب الزراع ليغيظ بهم الكفار وعد الله الذين آمنوا و عملوا الصالحات منهم مغفرة و اجراً عظيماً}

((محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیامبر الهی است و کسانی که با او هستند بر کافران سختگیر و با خودشان مهربانند؛ آنان را راکع و ساجد بینی که در طلب بخشش و خشنودی خداوند؛ نشانه آنان در چهره هایشان از اثر سجود (آشکار) است، و این است توصیف آنان در تورات، توصیف آنان در انجیل، همانند نهالی است که جوانه اش را بر آورد، آن را مایه دهد تا ستبر گردد و بر ساقه هایش بایستد، و کشاورزان را شاد و شگفت زده سازد، تا از دیدن ایشان کافران را به خشم آورد، خداوند به کسانی از ایشان که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، آموزش و پاداشی بزرگ وعده داده است.))

{و اضرب لهم مثلاً رجلین جعلنا لاهدهما جنتین من أعناب و حففناهما بنخل و جعلنا بینهما زرعاً}.

((و برای آنان مثلی بزن از دو مرد که یکی از آنان دو تاکستان داده بودیم، و پیرامون آن را درخت خرما و در میانه آن ها کشتزاری قرار داده بودیم.))

{مثل الذین ینفقون فی سبیل الله کمثل حبه انبتت سبع سنابل فی کل سنبله ماه حبه و الله یضاعف لمن یشاء و الله واسع علیم}

((داستان کسانی که اموالشان را در راه خدا می بخشند همچون دانه ای است که هفت خوشه می رویاند و در هر خوشه یکصد دانه، خداوند برای هر کسی که بخواهد (پاداش را) چند برابر می کند و خداوند گشایشگر داناست.))

{و البلد الطیب ینخرج نباته باذن ربه و الذی خبث لا ینخرج الا نکدا کذلک نصرف الآیات لقوم یشکرون}

((و زمین پاک گیاهش به اذن پروردگارش می روید و آنچه پلید است جز (حاصلی) ناچیز بر نیاورد، بدین سان آیات خود، را برای سپاسگزاران، گونه گون بیان می داریم.))

{انما مثل الحیاء الدنیا کماء انزلناه من السماء فاختلط به نبات الارض مما یأکل الناس و الانعام حتی اذا اخذت الارض زخرفها و ازینت و ظن اهلها انهم قادرون علیها اناها امرنا لیلاً او نهراً فجعلناها حصیداً کان لم تغن بالامس کذلک نفصل الآیات لقوم یتفکرون}

((در حقیقت زندگی دنیا، در مثل، به آبی میماند که از آسمان فرو فرستادیم تا به آن انواع گوناگون گیاهان که آدمیان و حیوانات از آن تغذیه می کنند درآمیزد و بروید تا آنگاه که زمین سرسبز و خرم آراسته گردد و اهل زمین پندارند که بر آن قادرند. ناگهان فرمان ما شب یا روز در رسد آن همه زیور زمین را درو کند و چنان خشک کند که گویی دیروز در آن هیچ نبوده، این گونه خدا، آیاتش را روشن برای اهل اندیشه بیان می دارد.))

آیات یاد شده نمونه هایی است از تمثیل های قرآنی درباره کشاورزی. در این درس به عنوان نمونه برای آشنایی خوانندگان به توضیح یکی از این آیات (اولین آیه) بسنده می شود.

پیامبر خدا، محمد مصطفی -صلوات الله علیه- در آغاز بعثت با انبوهی از مشکلات و گردن فرازی ملحدان و سرکردگان و بت پرستی و کارشکنی کافران مواجه بود؛ بدین سان حضرت و یارانش در آغاز ضعیف می نمودند. پیامبر اسلام فریاد ((قولوا لا اله الا الله تفلحوا)) سرداد و بذر اسلام را در دل های مردان و زنان حق طلب کاشت و در آشکار و نهان برپایه فرامین خدای سبحان به تبلیغ اسلام پرداخت. به تدریج او و یارانش قوت یافتند و توانستند چنان محکم و استوار روی پای خود بایستند که دل های دشمنان کافر سرشار از خشم و غضب گردید.

قرآن این حقیقت را با مسائلی لطیف و زیبا باز می گوید. بر پایه این مثل، پیامبر و یارانش مانند دانه کاشته ای بودند که در آغاز بسی ضعیف و ناچیز می نمودند. این دانه، خاکها را می شکافت و از دل زمین سربرآورده و جوانه میزند و شاخه های خرد و کوچک از اطراف آن می روید و همواره به گیاه مدد می رساند و بدینسان به درختی پرشاخ و برگ، ستبر و استوار تبدیل می شود که روی پای خود می ایستد و در برابر طوفان ها سر فرازانه و راست قامت قد علم می کند و خم به ابرو نمی آورد و شکوه و ستبری آن بیننده را به شگفتی و فروتنی وامیدارد.

بی گمان این آیه شریف در پی تبیین چگونگی قدرتمندی و به شکوه و عزت دست یافتن پیامبر و یاران اوست؛ شکوه، عزت و قوتی که در کافران خشم و غضب می آفرید و بیننده را به شگفتی وا می داشت. اما از تمثیل آن حضرت و یارانش به جوان های که شاخه های ضعیف در اطراف خود پدید آورده استفاده می شود که پدید آوردن شاخه های ظریف کوچک، رشد و بالندگی آنها، یاری رسانی آنها به گیاه یا گیاه به آنها ستبر شدن و توانمند گشتن و بلاخره با قامتی راست و شکوهمند روی پای خود ایستادن چنان عظمتی دارد که در کشاورزان و بینندگان شگفتی و حیرت می آفریند؛ همانند عظمتی که رسول خدا و یاران او یافتند که موجب حیرت جهانیان شد.

{و هو الذی سخر البحر لتا کلوا منه لحماً طریاً و تستخرجوا منه حلیه تلبسونها و تری الفلک مواخر فیه و لتبتغوا من فصله و لعلکم تشکرون}

((و او کسی است که دریا را مسخر و رام گردانید تا از آن گوشت تازه بخورید، و پیرایه ای که آن را می پوشید از آن بیرون آورید و کشتی ها را در آن شکافنده ی (آب) می بینی، تا از فضل او به جوید و باشد که شما شکر گزارید.))

از آیه فوق نکات بسیار جالبی استفاده می شود:

۱- خداوند دریا را با این که پر تلاطم مواجه است و همه چیز را در خود فرو می برد برای انسان رام کرد که بتواند از نعمتهای آن استفاده کنند و علاوه بر استحکام باور توحیدی خود به شکرگزاری پردازد. در آیات قبل نشانه های خداشناسی را در خشکی و کوهها بیان کرد و در این آیه از نعمت دریاها -علاوه بر نعمت خشکی- سخن به میان آورده است.

۲- امکان استفاده از ماهیان و مرغان دریایی، و به دست آوردن صدف و مروارید آن برای زینت و آراستگی انسان و پوشاک وی مباح و فراهم است. بشر می تواند در دریاها به غواصی پردازد و از دریا و اشیاء قیمتی و زینتی استخراج کند و از آبزیان و گیاهان دریایی جهت زینت و دارو استفاده نمایند. از این رو در فقه از خمس غواصی سخن به میان آمده است.

۳- گوشت ماهی بهتر است تر و تازه مصرف شود. این نکته را آیه تحت وصف ((طری)) متذکر شده است. چنان که در آیه ای دیگر به همین معنا آمده است. اینکه خداوند گوشت ماهی را مقید به وسعت طری کرده یا به سبب آن است که اگر تازه خورده شود لذیذ تر است و یا به سبب آن است که گوشت ماهی از گوشت های دیگر زودتر فاسد می شود، از این رو باید زودتر مورد استفاده قرار گیرد.

اهمیت طراوت در گوشت ماهی هنگامی آشکار می گردد که در گذشته از گوشت های مانده و خشک شده (قرمه) استفاده می کردند که فایده چندانی نداشت. لذا در روایات خوردن گوشت قدید و مانده را مکروه دانسته اند .

بشر با آنکه پیشرفت زیادی کرده ولی امروز گوشت را به صورت منجمد و کنسرو شده مصرف می کند، حال آنکه صاحب نظران علوم تغذیه خوردن گوشت تازه را مناسب تر و مفیدتر می دانند، زیرا گوشت بعد از انجماد بخش زیادی از کیفیت و مواد غذایی خود را از دست می دهد.

4- همه ماهیان در آب شیرین به عمل می آمدند قدرت شگفت انگیز و بی کران خداوند آشکار نمی شد؛ زیرا از آب شور نیز ماهیانی پرورش می یابند که گوشت آنها در نهایت خوش مزگی در مقایسه با گوشت ماهیانی که در آب شیرین به عمل می آیند لذیذتر فایده تر است. این نشانه قدرت آفریدگار جهان است که از شوری و تلخی آب؛ یعنی از اضداد، گوشت ماهی شیرین و لذیذ را پروریده است.

* * *

در آیات دیگر، گوشت ماهیان دریا برای انسان حلال شمرده شده است. و در پنج آیه کلمه حوت و حیتان آمده که در برخی اشاره به داستان حضرت یونس و در برخی اشاره به داستان موسی و خضر علیهما السلام- دارد.

از این آیات اهمیت غذایی ماهی استفاده میشود.

{ و ان لکم فی الانعام لعبره نسقیکم مما فی بطونه من بین فرث و دم لبناً خالصاً سائغاً للشاربین }

((و در دام ها قطعاً برای شما عبرتی است از آنچه در (لابه لای) شکم آن هاست، از میان سرگین و خون شیری ناب به شما می نوشانیم که برای نوشندگان گواراست.))

برای روشن شدن معنای در مفردات آن تأمل می کنیم:

۱- کلمه سقی به معنای یکبار نوشاندن است، ولی در آیه نکته لطیفی است؛ زیرا از کلمه ((اسقاء)) استفاده کرده که معنای نوشانیدن مداوم در آن است. از این نکته استفاده می شود که نعمت شیر چهارپایان یک نعمت خدادادی دائمی است و ویژه یک روز و دو روز و یک ماهه و یک فصل نمی باشد؛ زیرا بدن انسان در تمام دوران زندگی نیاز به این ماده غذایی دارد.

۲- ((فرث)) در لغت به معنای غذا های حذف شده درون معده است که به مجرد رسیدن به روده ها ماده حیاتی آن جذب بدن می گردد و تفاله های آن به خارج فرستاده می شود. در آن حال که این غذای حذف شده در درون این معده قرار دارد به آن ((فرث)) گویند و هنگامی که تفاله های آن خارج شد ((روث)) (سرگین) گویند. پس فرث گیاه جویده شده درون شکمبه می باشد که هنوز مواد غذایی آن به وسیله روده ها جذب نشده است.

۳- ((دم)) به معنای خون است که خوردن آن به صریح آیات قرآن حرام است.

۴- ((لبن)) به معنای شیر است. این لفظ در مورد شیر بهشتی هم به کار می رود: ﴿و انهاراً من لبنٍ لم یتغیر طعمه﴾ معلوم می شود که شیر بهشتی طعم اولیه خود را همیشه دارد و فاسد نمی شود؛ که خلاف مواد لبنی دنیا که بعد از چند ساعت ممکن است فاسد شود و قابل شرب نباشد.

۵- ((خالص)) به معنای صاف و بدون مخلوط شدن با چیز دیگر است. یکی از معانی خلوص ((پیوند)) است و شاید به سبب همین معناست که برخی این تعبیر قرآنی را در مورد شیر اشاره به تاثیر فوق العاده آن در استخوان سازی می دانند.

از این رو در احکام شیرخوارگی بحث شده اگر کودکی از مادری به مقدار شیر بخورد که استخوانش محکم گردد و گوشت بروید کودک به آن مادر و شوهر آن زن محرم می شود.

از سویی نیز می گویند اگر ۱۵ بار متوالی یا یک شبانه روز شیر بخورد باز محروم می شود. نتیجه آن که تغذیه با شیر در یک شبانه روز در تقویت استخوان ها و رویاندن گوشت تاثیر دارد.

۶- ((سائغ)) به معنای گوارا و فرو رفتن از حلق به آسانی می باشد؛ زیرا شیر خوش نوش و سهلا التناول است.

۷- ((عبرت))، گذشتن از حالی به حال دیگر است و حالتی است که از شناخت محسوس به شناخت غیر محسوس رسیده می شود و در آن معنای نفوذ نهفته است.

قرآن کریم درباره زنبور عسل فرموده است:

﴿و اوحى ربك الى النحل ان اتخذى من الجبال بيوتاً و من الشجر و مما يعرشون ثم كلى من كل الثمرات فاسلكى سبل ربك ذللاً يخرج من بطونها شراباً مختلفاً الوانه فيه شفاء للناس ان ذالك لآية لقوم يتفكرون﴾

پروردگار تو به زنبور عسل وحی نمود که در دل کوه ها و در میان درختان و در بناهایی که می سازند لانه گزین، آن گاه از شهر شکوفه ها بخور و راه های پروردگارت را مطیع و آرام طی کن. از شکم آنها عسل بسیار شیرین به رنگ های گوناگون بیرون می آید که شفابخش آلام انسان هاست و در آن نشانه هایی است برای گروهی که می اندیشند.

در این آیات، اعجاز بیانی و محتوایی بزرگ معجزه ی جاوید پیامبر، به خوبی نمایان است. از جنبه ی بیانی، حروف و کلمات، بسیار دقیق و حساب شده انتخاب گردیده که در نهایت بلاغت و فصاحت با یکدیگر ترکیب شده و هندسه ای بی نظیر به وجود آورده اند. از این رو نه کسی می تواند آنها را بدون آنکه به زیبایی شان لطمه ای وارد کند پس و پیش نماید و نه کسی قادر است مانند آن را بیاورد.

از جنبه محتوایی نیز آیات فوق معجزه ای شگرف است؛ زیرا حقایق و اسرار زندگی زنبور عسل را چنان بیان نموده است که مردم ۱۴ قرن پیش با اطلاعات اندکی که از این حشره داشتند آن را می فهمیدند، هم چنان که دانشمندان حشره شناس عصر کنونی نیز با انبوه اطلاعات و کشفیات جدیدی که از زندگی و رفتار و عادات این حشره، به دست آورده اند، آن را مطابق با یافته های خود می دانند.

حال برای پرده برداشتن از چهره حقایق نهفته در آیات فوق، روی تک تک جملات آن به طور جداگانه به تامل می نشینیم.

الف- {و اوحی ربک الی النحل}

جمله فوق سوالاتی را در ذهن خواننده برمی‌انگیزد:

۱- وحی به زنبور عسل یعنی چه و چگونه تحقق می‌یابد؟

۲- چرا خدای متعال از میان این همه حیوانات و حشرات تعبیر (وحی) را فقط در مورد زنبور عسل به کار برده است؟

معنای وحی در لغت و قرآن

پیش از پرداختن به تفسیر این بخش از آیه معنای لغوی و قرآنی ((وحی)) را از نظر می‌گذرانیم. مرحوم راغب اصفهانی در معنای لغوی وحی می‌نویسد:

((وحی در لغت به معنای اشاره سریع است و این اشاره گاهی با سخنی رمزی یا اشاره ای و یا نوشته ای صورت می‌گیرد.))

قرآن کریم از ((الهام غریزی)) حیوانات و ((الهام فطری)) انسان‌ها به ((وحی)) تعبیر کرده چنان که از سوسه‌های شیطان و همچنین القائنات الهی به فرشتگان نیز از این واژه استفاده شده است.

از مهمترین موارد کاربرد وحی در قرآن ارتباط و اتصال پنهانی حق تعالی با پیامبران و رسولان شما می‌باشد که در زبان اهل شهر به منظور رعایت ادب و تنها در همین معنای اخیر به کار می‌رود.

وحی به زنبور عسل

به کاربردهای وحی در قرآن اشارتی رفت، یکی از موارد آن وحی به زنبور عسل است. حال باید دید وحی در اینجا به چه معناست؟

مرحوم علامه طباطبایی می‌نویسد:

((وحی به زنبور عسل به معنای الهام غریزی است که خدای متعال در نهادش گذاشته است.))

بعضی از مفسران آن را همان نیرویی مرموز و قدرتمندی می‌دانند که این حشره را مسخر خود ساخته و آنها را در راه و روش ویژه ای که دارند رهبری می‌کند. شاید بتوان تعبیر ((روح کندو)) را که بعضی از دانشمندان حشره شناس به کار برده‌اند جلوه ای مناسب از وحی به زنبور عسل دانست.

سؤالات تشریحی تفسیر موضوعی (با رویکرد کشاورزی تولید محور در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی)

۱- دوا احتمال مطرح شده از معنای واژه ((جعل)) در آیه ((الذی جعل لكم الارض فراشا)) و نتیجه این دوا احتمال را بنویسید؟

۲- واژه ((لكم)) در آیه (الذی جعل لكم الارض فراشا) و واژه ((انام)) در آیه (و الارض وضعها للانام) به چه معناست؟ مفهوم کلی این دو آیه را بنویسید.

۳- تعبیر قرآن از (فساد در زمین) به چه نکته ای اشاره دارد؟

۴- مقصود از واژه ((حرث)) ۹ و ((نسل)) در آیه (...و يهلك الحرث و النسل) چیست؟

۵- مفسران در خصوص آیه ((والی الارض کیف سطحت)) چه مفاهیمی را احتمال داده اند؟

۶- ترجمه آیه های ((و الارض بعد ذلک دحیها - اخرج منها ماءها ومرعیها)) را نوشته و تفسیر این دو آیه را با استفاده از واژه ((دحو)) بیان نمایید؟

۷- دو احتمالی که مفسران از واژه ((قطع متجاورات)) در آیه (و فی الارض قطع متجاورات) داده اند را به طور خلاصه بنویسید.

۸- قرآن مجید از باران به چه عناوینی یاد می کند؟

۹- چرا قرآن مجید از باران به عنوان مبارک یاد می کند؟

۱۰- چرا قرآن مجید از باران بعنوان رزق یاد می کند؟

۱۱- آیه ((هو الذی انزل من السماء ماء فاخرجنا به نبات کل شیء...)) به چه نکاتی از عظمت و حکمت های الهی اشاره می کند؟

۱۲- علامه طباطبایی در مورد آیه ((هو الذی انزل من السماء ماء فاخرجنا به نبات کل شیء...)) چه تفسیری را بدست داده است؟ بطور خلاصه بنویسید.

۱۳- قرآن مجید ، تامل درباره چگونگی باریدن باران و فواید آن چه نکاتی را یادآور می شود؟

۱۴- تفسیر عبارت ((وما انتم له بخازنین)) در آیه ((فانزلنا من السماء ماء فاسقینا کموه و ما انتم له بخازنین)) و دو احتمال در معنای آن را به طور خلاصه بنویسید؟

۱۵- علامه طباطبایی در تفسیر آیه های ((افرايتم ما تحرثون - انتم تررعونه ام نحن الزارعون)) چه می فرمایند؟

۱۶- با توجه به آیه ((و انزلنا من السماء ماء بقدر فاسکنا ه فی الارض و انا علی ذهاب به لقادرون)) تفسیر آنرا بطور خلاصه بنویسید.

۱۷- از واژه ((سلک)) در آیه ((الم تر ان الله انزل من السماء ماء فسلكه ینا بیع فی الارض ...)) چه مطالبی استفاده می شود؟

۱۸- از نظر امام صادق علیه السلام علت فرو باریدن باران از بالا ((انزل من السماء)) چیست؟

۱۹- فواید کوهها (در بخش کشاورزی) از نظر امام صادق را خطاب به شاگردش (مفضل) بنویسید.

۲۰- اهمیت نهرها و چشمه ها را از نظر قرآن و با توجه به آیه (والقی الارض رواسی ان تمیدبکم وانهارا و سبلا لعلکم تهتدون)) بطور خلاصه بنویسید.

۲۱- در آیه های (والارض وضعها للانام- فیها فاکهه والنخل ذات الاکمام- والحب ذوالعصف والریحان) خداوند سبحان اهمیت گیاهان، مرتع هاو... را بیان می فرماید، تفسیر آیه رادر چند جمله بیان نماید.

۲۲- مقصود از احیاء زمین بعد از مردگی، در آیه (والله انزل من السماء من ماء فاحیا به الارض بعد موتها...) چیست؟

۲۳- فخر رازی در توضیح آیه ۱۶۴ سوره بقره (...و ما انزل الله من السماء من ماء فاحیا به الارض بعد موتها...) چه نکاتی را بیان می کند؟ بطور خلاصه بنویسید.

۲۴- آیه شریفه (وتری الارض هامدة فاذا انزلنا علیها الماء اهتزت وربت وانبتت من کل زوج بهیج) به چه نکاتی اشاره می فرماید؟ (بطور خلاصه در چند سطر بنویسید)

۲۵- اهمیت جنگلها و مراتع را از نظر قرآن و با توجه به آیات آن در چند جمله بیان نماید.

۲۶- فضیلت و اهمیت کشاورزی را از دیدگاه قرآن و با توجه به آیات سوره مبارکه عبس (فلینظر الانسان الی طعامه- انا صبینا الماء صبا - ثم شققنا الارض شقا- فا نبتنا فیها حبا وقضبا - وزیتونا ونخلا - وحدائق غلبا - وفا کهبه و ابا - متاعا لکم و لانعامکم) بنویسید.

۲۷- از آیات (وزروع و نخل طلعهما هضیم - وزروع و مقام کریم) چه نکته های مرتبط با کشاورزی برداشت می شود؟

۲۸- خداوند شکافنده دانه ها و بر آورنده ی بوته هاست (ان الله فالق الحب و النوی...) از این آیه در سوره انعام چه نکاتی برداشت می شود؟ بطور خلاصه در چند سطر بنویسید.

۲۹- نمونه ای از تمثیلات قرآنی درباره کشاورزی در آیه های (مثل الذین ینفقون فی سبیل الله کمثل حبه انبتت سبع سنابل... انما مثل الحیاة الدنیا کماء انزلنا ه من السماء...) بنویسید؟

۳۰- از آیه (و هو الذی سخر البحر لتأکلوا منه لحما طریا...) چه نکات جالبی استفاده می شود؟

۳۱- واژه (طریا) در آیه (و هو الذی سخر البحر لتأکلوا منه لحما طریا...) به چه نکاتی اشاره می کند؟

۳۲- اهمیت غذایی ماهی را با استفاده از مفاهیم آیه (و هو الذی سخر البحر لتأکلوا منه لحما طریا...) بیان نمایید.

۳۳- از آیه ((و ان لکم فی الانعام لعلبة نسقیکم مما فی بطونه من بین فرث و دم لبنا خالصا سائغا للشاربین)) چه عبرتهایی گرفته می شود؟ بطور خلاصه بیان نمایید

۳۴- از کلمه (سقی) به معنای یکبار نوشاندن در آیه (... نسقیکم مما فی بطونه من بین فرث...) چه نکته لطیفی برداشت می شود؟

۳۵- واژه ((فرث)) در آیه (... نسقیکم مما فی بطونه من بین فرث...) به چه نکته ای اشاره دارد؟

۳۶- عبارت ((لبنا خالصا)) در آیه (... نسقیکم مما فی بطونه من بین فرث و دم لبنا خالصا سائغا للشاربین)) به چه معناست؟ و تعبیر قرآنی آن بچه نکته جالبی اشاره دارد؟

۳۷- واژه های ((سائغ - عبرت - وحی)) به چه معناست؟

۳۸- با توجه به آیه شریفه ((و اوحی ربک الی النحل ان اتخذی من الجبال بیوتا...)) اعجاز بیانی و محتوایی قرآنی را از نظر فصاحت ، بلاغت و هندسی بیان نمایید.

۳۹- وحی به زنبور عسل به چه معناست و چرا قرآن از میان همه حیوانات و حشرات تعبیر وحی (و اوحی ربک الی النحل...) را فقط در مورد زنبور عسل بکار برده است؟

۴۰- از نظر مرحوم علامه طباطبایی وحی به زنبور عسل در آیه (و اوحی ربک الی النحل) به چه معناست؟